

## نگرش حقوقی به طرح نظام فدرالی از منظر شهید عبدالعلی مزاری

محمدعلی ابراهیمی

### چکیده

شهید عبدالعلی مزاری رحمت الله علیه چیست؟ به دیگر تعبیر، توجیه حقوقی طرح اداره فدرالی افغانستان از دیدگاه شهید مزاری چه می‌باشد؟

مهم‌ترین دستاورد علمی این تحقیق آن است که با محرز بودن ناکامی شیوه‌های مدیریتی سنتی و فرسوده بودن آن و استمرار تنازع میان اقوام کشور، تجربه کشور - دولت فدرالیسم ضرر غیر قابل جبرانی برای ملت افغانستان ندارد. فرضیه تحقیق آن است که تغییر ساختار اداری به فدرالی موجب نجات کشور از تمام نامالایمات گذشته گردیده و باعث پایان یافتن تمام رنج‌های طولانی مدت مردم افغانستان می‌گردد. در همین راستا باید گفت: اصرار به تغلیب تباری بر سایر گروه‌های قومی نتیجه انسانی ندارد و زندگی در این سرزمین را دشوار کرده است. اگر صاحب خردی باشد و رسالت اسلامی و انسانی در

افغانستان کشوری است که در طول قرون اخیر (حداقل چهار قرن) وضعیت نابسامان سیاسی داشته و عمر خود را در تنازع قومی سپری کرده است. ظاهراً دولت مردان آن قصد ندارند که بر اوضاع مسلط گردند و یک شیوه معقول مدیریتی را پیشه خود سازند. آثار منفی اوضاع جاری جامعه و صاحب‌نظران را خسته و مأیوس ساخته است. به همین علت برخی به دنبال یافتن راه اصولی‌تر اداره کشور برآمده و از آن میان شهید وحدت ملی، بابه مزاری رحمت الله علیه بود. ابتکار ایشان ارائه طرح فدرالی کشور است. براساس مطالعات اندکی که انجام گردید و تشابهاتی که کشور با دول فدرالی دارد، اعمال روش فدرالیسم خردمندانه به نظر می‌آید. پس سؤال اصلی آن است که نگرشی حقوقی به طرح نظام فدرالی در اندیشه

پیش گرفته شود، تغییر نوعیت ساختار سیاسی امری منطقی و ضروری می‌باشد.

**کلید واژگان:** فدرالیستی، فدرالیسم، افغانستان، نظام حقوقی، حق تعیین سرنوشت و تأمین وحدت ملی.

### مقدمه

طرح نظام فدرالی یا اداره کشور به روش فدرالیستی برای اولین بار در آغاز دهه هفتاد خورشیدی توسط دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان ارائه گردید. استاد شهید عبدالعلی مزاری رحمت الله علیه مبتکر آن می‌باشد. هر چند متن مسوده به تصویب شورای عالی حزب نرسیده بود، ولی اصول کلی آن را حضرات و استاد شهید ملاحظه نموده بودند که در قالب «قانون اساسی فدرال اسلامی افغانستان» در میزان سنجش اندیشه همگان عرضه گردید.

در آن زمان عطش رسیدن به کرسی قدرت و گم بودن در باده پیروزی مانع آن شد که سران اقوام و احزاب تعادل و فهم سیاسی واقعی داشته باشند و روی این طرح غور نمایند. در مقابل بحران خونین‌تر گردیده و فجایع شدت بیشتر یافت. در نهایت خلاق این پیشنهاد به شهادت رسید؛ گروه تروریست طالبان به کرسی قدرت لمید و تومار بقیه را جمع کرده تا مناطق شمالی کشور پیش راند. در نهایت همه سرگرم کاروزار گشتند و ایده نظام فدرالی به افول رفت.

جنگ متوقف نگردید، آلام مردم کاهش نیافت و شرایط زیستی به شدت سخت و سخت‌تر امتداد پیدا کرد، در نتیجه گروهک حاکم دچار نوع جنون گردید و تن بیمار خود را به آسمان خراش‌های دوقلوی نیورک کوبید و به ارباب خود چنگ و دندان نشان داد. او هم نامردی نکرد و با مظلوم‌نمایی در افکار عمومی جهان لشکری به هم زد و آتش باری را به قوت تمام شروع نمود؛ ثمره آن فراری و متواری شدن نمادهای عصیبت قومی و برتری جویی تباری بود.

به دنبال این تحول طرح نو در آمیخته شد؛ بن

آلمان سران گروه‌ها را دور هم جمع کرد و سر آنان را گرم نموده با تقسیم قدرت نزاع را فروکش داد. همه به کابل آمدند و دور کاخ قدرت به چانه زنی، کسب امتیاز و تخصیص دادن هرچه بیشتر صدقات مردم جهان به نفع جیب، قوم و حزب خود مشغول گردید و چنان به فساد غرق بودند که همه ارزش‌ها و اهداف متعالی را به نسیان سپردند. اما تاکتیک‌ها عوض شد و فجایع چندین برابر گردید و نا امنی به قوت خود استمرار پیدا کرد. بیست سال بنام مشق دموکراسی گذشت؛ ارباب خسته و زمین‌گیر شد و از مدیریت غلامان خود در مانده گردید.

اوباز تدبیری کرد و سراغ همان یاغیان تحجر و جمود فکری رفت. آنان را از تاریکی‌های کشور همسایه پیدا کرد، برای‌شان شخصیت داد، به مهمانی برد، کشورهای جهان را نشان‌شان داد، افکار جهانی را متحول ساخته، گلیم خود را از معرکه بیرون کرد و مزدوران نوباوه خود را مجهز کرد. آنان چنان سریع مهارت دمنشی خود را به رخ خصم کشید که بدون مجال جایگاه را به گفتارها داده و فرار را برقرار ترجیح دادند.

با این که از زمان شکل‌گیری نظام سیاسی پس از فروپاشی طالبان، یکی از مباحثی که از یک زمزمه سیاسی تبدیل به گفتمان سیاسی داغ گردید، موضوع ایجاد نظام فدرالیستی در افغانستان بود؛ این بحث حتی در بین نامزدهای انتخابات اخیر افغانستان و آمریکا طرفدارانی پیدا کرد، ولی به صورت جدی نتوانست موقعیت یافته و به کرسی بنشیند. در میان اندیشمندان و نویسندگان هم کم‌وبیش جا باز کرد و نگاره‌های پیرامون آن تحریر گردید، ولی یک کار علمی اثرگذار تا هنوز هم انجام نگرفته است.

اکنون که تمام سران دول، گروه اسلام‌گرای دروغین قومیت محور را از لیست سیاه تروریست خارج نموده و به تاج و تخت قدرت رسانده و به خوبی شاهد هستند که آنان غیر از ایده نژادی و قومیت خود به هیچ اصولی پای‌بندی نداشته و خیلی راحت

ارزش‌های انسانی، اصول زیست بشری، قواعد نظم بین‌المللی و حقوق ملی را کنار مانده، حتی درها دانش‌اندوزی را بر روی زنان بسته، اقوام دیگر کشور را از سیاست، اداره و قضاوت رانده، زبان، فرهنگ و ارزش‌های فکری و فرهنگی را از دور خارج کرده است، حالا بهترین فرصت است که روی طرح پیشنهادی نظام فدرالی گفتمان جدی صورت بگیرد.

نگرشی حقوقی بر طرح نظام فدرالی در اندیشه شهید بابه مزاری رحمت الله علیه به همین انگیزه به کاوش در آمد. نوآوری تحقیق در آن است که تا حال هیچ یک از صاحبان اندیشه از این منظر به موضوع نگاه نکرده‌اند. از این جهت تحقیق کاملاً بی‌سابقه و جدید است. در ضمن باید دانست که روش به کار رفته در جمع‌آوری داده‌ها به نظام کتابخانه‌ای می‌باشد. از طریق مراجعه به منابع مکتوب پژوه سامان پیدا کرده و تکمیل گردید.

آنچه به عنوان مهم‌ترین یافته علمی قابل یادآوری است این می‌باشد که نظر به ساختار قومی، زبانی، مذهبی و ژئوپلیتیکی افغانستان، اداره آن به صورت فدرالی رفع تمام مسایلی است که موجب دغدغه همگان گردیده است. به همین علت فرضیه تحقیق آن است که تن دادن به سیستم فدرالی کشور را از بحران و بی‌ثباتی چندین قرن گذشته رهایی می‌دهد.

ساختار پژوهش در دو گفتار اصلی تنظیم گردیده است. در گفتار نخست تحت عنوان کلیات موضوع مورد بحث، اقدام به تبیین مفردات عنوان شد تا با درک درست معانی لغوی و اصطلاحی آن، خواننده عزیز دچار مشکل نشود و مفاهیم منظور از قبل روشن باشد. در گفتار دوم سعی گردیده که سؤال اصلی تحقیق پاسخ داده شود. به همین علت عنوان امکان‌سنجی حاکمیت فدرالیستی در افغانستان در اندیشه شهید مزاری انتخاب گردید و پیرامون آن، اشاره به مبتکر طرح شده، سابقه آن در افغانستان مرور گردیده،

دیدگاه موافقان و مخالفان بازتاب یافته و در نهایت ضرورت دولت-کشور فدرالیستی در افغانستان تشریح شده است.

### گفتار اول: کلیات موضوع مورد بحث

قبل از ورود به موضوع اصلی، تبیین مفردات عنوان بحث ضروری و موجه به نظر می‌آید. برای آن که خواننده با معانی مورد نظر این نوشته آشنا باشند، در این بخش مفاهیم کلی تشریح گردیده و از نظر لغوی و اصطلاحی توضیح داده می‌شود.

#### الف. نگرش حقوقی

نگرش در لغت به عمل یا فرایند نگرستن، (صدری افشار، ۱۳۸۱: ۱۲۷) و ارزیابی ذهنی از امری و طرز تفکر نسبت به آن (انوری، ۱۳۹۰: ۸/۷۹۵۳) را گویند. همچنین از نظر عموم هر نوع بیان نظر در مورد یک شیء یا یک فرد یا یک رویداد که در آن قضاوت و ارزیابی باشد، (مستقل از مثبت یا منفی بودن آن) نگرش نامیده می‌شود.

در اصطلاح، تعاریف بسیاری در مدیریت و روان‌شناسی از نگرش شده است که در ذیل به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود: از یک لحاظ نگرش یا طرز تلقی عبارت از آمادگی برای واکنش ویژه نسبت به یک فرد، شیء، فکر یا وضعیت است. (رضائیان، ۱۳۷۹: ۲۰۲).

از لحاظ دیگر نگرش مجموعه‌ای از اعتقادات، عواطف و نیات رفتاری نسبت به یک شیء، شخص یا واقعه می‌باشد. به عبارتی تمایل نسبتاً پایدار به شخصی، چیزی یا رویدادی است که در احساس و رفتار نمایان می‌شود. (قلی پور، ۱۳۸۶: ۱۰۸). همچنین گفته شده که نگرش ارزیابی یا برآوردی است که به صورت مطلوب یا نامطلوب درباره شیء یا فرد یا رویدادی صورت می‌گیرد. همچنین نگرش بازتابی از شیوه احساس فرد نسبت به یک چیز یا یک فرد است. مثلاً هنگامی که می‌گوییم

ذیل واژه نظم). در فرهنگ لغات عربی نیز آن را معادل تجمیع و قرین کردن چیزی به چیز دیگر و نخی که با آن لؤلؤ یا هر چیز دیگری به نظم در می‌آید، در ذیل آن نگاهشته‌اند. افزون بر این، کاربرد دیگر واژه نظام در معانی هدیه، سیره و عادت است. (ابن منظور، ۱۴۲۴: ۵۷۹/۱۲).

این واژه در اصطلاح نیز تعریف‌های متفاوتی دارد و منظور از آن در این نوشتار، معنای حکومت یا رژیم سیاسی است. برخی از نویسندگان در این باره گفته‌اند: دانش واژه‌های «رژیم و رژیم سیاسی» با دانش واژه‌های «نظام و نظام سیاسی» مترادف است. (عبدالحمید، ۱۳۸۴: ۱۹۶). در این نگارش نیز مراد از نظام، همان رژیم سیاسی می‌باشد. البته قابل ذکر است که نظام‌های سیاسی را بر حسب معیارهای گوناگون (بشریه، ۱۳۸۰: ۱۰۵) و هدف‌های متفاوت (عالم، ۱۳۷۳: ۱۵۱) می‌توان تقسیم‌بندی کرد. پس طبیعی است که نظام سیاسی فدرال از این جهت با دیگر نظام‌های سیاسی متفاوت خواهد بود.

فدرال در لغت به نظام سیاسی یا حکومتی گفته می‌شود که دارای حکومت متشکل از دولت‌های خودگردان ایالتی و دولت مرکزی منتخب مردم باشد. (صدری افشاری، ۱۳۸۱: ۹۲۸). همچنین فدرالیسم به سیستم سیاسی گفته می‌شود که بر طبق آن یک مملکت از اتحاد ایالات مستقل تشکیل شده باشد. (عمید، مکرر، ۷۸۷).

در اصطلاح فدرالیسم موجد سازوکارها و رویه‌های مختلفی است که از طریق آن‌ها می‌توان کشمکش‌ها و مناقشه‌های حکومت‌های منطقه‌ای را بایکدیگر یا با حکومت مرکزی حل و فصل کرد. (بابائی، ۱۳۹۰: ۵۸۴). فدرالیسم یا عدم تمرکز سیاسی (حکومت) نظام سیاسی ویژه‌ای است که به موجب آن در کنار یک حکومت مرکزی، حکومت‌های خود مختار و محلی وجود دارد. اقتدارات و کارویژه دولت، میان حکومت مرکزی و حکومت‌های محلی

«کارم را دوست دارم» نگرش خود را درباره کار ابراز می‌نمایم. (رایبیز، مترجم: پارسائیان، ۱۳۷۶: ۴) در این نوشته همین مفاهیم مورد نظر می‌باشد.

کلمه حقوق در مفهوم لغوی خود جمع حق است، به معنای راست و درست، عدل، ضد باطل، کاری که البته واقع می‌شود، یقین، ملک و مال استعمال می‌گردد. (عمید، مکرر).

در معنای اصطلاحی مجموعه «قوانین، قواعد و رسوم» لازم الاجرا، مجموعه امتیازاتی که برای صاحب حق تعلق می‌گیرد، (سعیدیان، ۱۳۸۶: ۲۵۰/۱۳) معاشات و کارمزد ماهوار (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۱۶۲) و مجموعه دانشی (صدری افشاری، ۱۳۸۱: ۱۲۶۰) که به تجزیه و تحلیل قواعد حقوقی می‌پردازد به کار می‌رود. از روشن شدن معنای اختصاصی این دو کلمه مفهوم اصطلاحی آن بدست می‌آید؛ یعنی منظور از نگرش حقوقی نوع نگاهی که از منظر حقوقی نسبت به یک شیء یا واقعه و رخدادی انداخته می‌شود و مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. این ترکیب اصطلاح تعریف شده نیست. از مفهوم مجزای آن می‌توان به چنین برداشتی رسید. در ما نحن فیه هدف فرایند نگرستن حقوقی به طرح نظام فدرالیست‌تاز دیدگاه شهید عبدالعلی مزاری (ره) است.

## ب. نظام فدرالی

نظام معمولا به ساختمان یا دستگاه سیاسی و اجتماعی گفته می‌شود. (صدری افشاری، ۱۳۸۱: ۱۲۶۰) و از جمله معنای که برای این کلمه شده مجموعه قوانین، قواعد، سنن، یا نوامیسی است که قوام و انتظام چیزی بر آن‌ها نهاده شده باشد. (انوری، ۱۳۹۰: ۷۹۵۳/۸). نظام از نظم است که به معنای ترتیب و تنظیم می‌آید و شایع‌ترین مفهومی که از آن تبادر می‌کند، مجموعه دستگاه حکومت است. همچنین «اصول و قواعدی که چیزی بر اساس آن‌ها نهاده شده باشد» برای آن نوشته‌اند. (معین، مکرر،

تقسیم می‌شود. به قسمت‌های محلی کشور، حقوق و وظایف ویژه‌ای سپرده می‌شود و روش‌های خاصی برای حل اختلافات میان حکومت مرکزی و حکومت‌های محلی یا زیر مجموعه‌های ناحیه‌ای آن مقرر می‌گردد. (آقابخشی، ۱۳۸۳: ۲۴۰).

به دیگر تعبیر گفته‌اند که فدرالیسم آیین سیاسی و جریان فکری می‌باشد که ممکن است دو هدف را دنبال نماید:

۱. تمرکززدایی در کشور و به رسمیت شناختن خودمختاری قدرت‌های منطقه‌ای.

۲. ایجاد و تقویت فدراسیونی بین کشورهای مختلف دارای حاکمیت ملی (همان).

در نهایت گفته شده که اصطلاح فدرالیسم بیانگر تقسیم قدرت بین حکومت مرکزی و حکومت‌های تابعه یا محلی در یک چارچوب قانونی و به شیوه‌ای می‌باشد که بر خلاف تفویض اختیار، حکومت مرکزی نمی‌تواند این تقسیم قدرت را تغییر دهد؛ مگر با رویه‌هایی خاص و دشوار. (آوتویت، بی تا: ۶۷۵). در حقیقت صاحب‌نظران با ارائه این تعریف به دنبال ارائه یک حاکمیت مقتدر متعادل هستند که از یک سو بتواند از کلیت کشور دفاع نماید و از سوی دیگر نسبت به شهروندان خشن و ظالمانه رفتار نتواند.

چون همه متفکران سیاسی مدرن با این معمارو به رو بودند که اگر دولت بیش از حد نیرومند باشد، تهدیدی برای آزادی‌های مردم خویش خواهند بود، ولی اگر ضعیف باشد، نمی‌تواند از آن‌ها حمایت کند (همان).

پس وقتی که این دو واژه سیاسی در کنار هم قرار گیرد، ترکیب نظام فدرالیستی را خواهد ساخت که روی هم رفته چنین تعریف خواهد شد:

نظام فدرالی اتحادیه‌ای از واحدهای خود مختار یا مستقل در یک دولت واحد هستند که دارای اختیار مستقیم بر اتباع واحدهای تشکیل دهنده خود خواهد بود و در صحنه بین‌المللی به صورت یک

واحد عمل می‌نماید و دارای یک شخصیت حقوقی مستقل می‌باشد و اجزای تشکیل دهنده آن شخصیت مستقل ملی دارد، ولی وجهه بین‌المللی سابق خود را از دست می‌دهد. (برابرت بلدسو-بوسچک، مترجم: بهمن آقایی، ۵۶/۱۳۷۵).

در یک تعریف اجمالی جامع می‌توان گفت: نظام فدرالیستی عبارت از اتحاد چند دولت مستقل از طریق یک قانون اساسی با حفظ استقلال نسبی داخلی و دارای شخصیت بین‌المللی واحد و با سپردن اختیارات وسیع به حکومت مرکزی فدرال می‌باشد (دانش، ۱۶۴/۱۳۸۹).

### ج. اصول کلی فدرالیسم

مهم‌ترین اصولی که برای نظام فدرالیستی قابل ذکر است به ترتیب ذیل می‌باشد:

۱. تقسیم حاکمیت بین اعضای تشکیل دهنده نظام فدرالیستی. یعنی علاوه بر تفکیک قوای سه‌گانه اجرائیه، مقننه و قضائیه، قدرت بین اعضای مؤلفه دولت فدرالیستی صورت می‌گیرد. مثلاً قوه قانونگذاری میان دولت فدرال و حکومت‌های ایالتی، بر حسب این که موضوع قانونگذاری اهمیت ملی و یا ابعاد محلی داشته باشد، تقسیم می‌شود. (خوبروی پاک، ۱۳۸۹: ۱۶/۱) در حقیقت تقسیم قدرت یکی از خصوصیات بارز نظام فدرالیستی است.

۲. خود مدیریتی سیاسی که تا حال از آن تعبیر به خود مختاری می‌گردید، از دیگر اصول فدرالیستی می‌باشد. طبق این اصل هر یک از حکومت‌های ایالتی در قلمرو صلاحیت‌ها و اختیارهای تعیین شده مسئولیت خود مدیریتی دارند؛ پس سلسله مراتب کنترل و نظارت در آن منتفی می‌باشد و حکومت‌های محلی زیر یوغ یا قیمومیت دولت فدرال قرار ندارد. تمام اختیارات و صلاحیت‌های حکومت فدرالیستی و حکومت‌های محلی در متن قانون اساسی به طور جداگانه و با ذکر موارد تهیه و تعیین می‌شود.

(دانش، ۱۶۹/۱۳۸۹).

۳. مشارکت همه شهروندان در تعیین سرنوشت کلان کشور فدرالیستی را هم از زمره اصول آن دانسته‌اند. جوامع محلی در نهادهای فدرالیستی بر اساس تشکیل مجلس دومی شرکت دارند. مثل مجلس سنای ایالت‌های متحد آمریکا و یا بوندسرات آلمان که در آن نمایندگان جوامع محلی عضویت دارند. (خوبروی پاک، ۱۳۸۹: ۱۷/۱).

۴. از دیگر اصول نظام فدرالیستی قوه قضائیه مستقل و دیوان قانون اساسی می‌باشد. برای اجرای اصول تفکیک قوا و احترام به آن دادگاهی مستقل نگرهبانی از قانون اساسی را بر عهده می‌گیرد تا همه مقام‌های سیاسی، این اصول را ملتزم باشند و رعایت نمایند (همان).

همه دولت‌هایی که مقید به اصول فوق هستند، فدرالی اداره گردیده و حقوقدانان آن‌ها را در فهرست فدراسیون‌ها قرار داده‌اند.

#### د. پیشینه‌شناسی نظام فدرالی

سابقه دولت-کشور فدرالیستی را به یونان باستان رسانده است. ویل درانت دو جا در تاریخ تمدن از دولت فدرال نامبرده است. در یک جا تعبیر کرده است که فیلیپ موفق گردید که در یونان حکومت فدرالی تشکیل دهد و تمام یونانیان را در شرق و غرب آزاد سازد. (دورانت، ۱۳۷۸: ۱۰۲۱/۲). در جای دیگر اشاره دارد که در هر یک از اتحادیه‌ها، شهرداری‌های کشور شهرهای عضو اتحادیه، امور داخلی را اداره می‌کردند، ولی امور نظامی و مناسبات خارجی به شورای فدرال و فرمانده کل واگذار شده بود، که توسط شارمندانی که صلاحیت شرکت در مجامع سالیانه اتحادیه‌ها را داشتند انتخاب می‌شدند. (دورانت، ۱۳۷۸: ۱۰۷۸/۲).

امروزه حکومت‌های فدرال و اندیشه‌های اصولی مربوط به فدرالیسم از فعال‌های سازنده‌ای قوانین

اساسی ایالات متحد آمریکا که از سال ۱۷۷۵ آغاز شده مایه می‌گیرند. پس از آن که در سال‌های ۱۷۷۵ و ۱۷۷۶ سیزده مستعمره انگلیسی زبان کرانه‌های اقیانوس اطلس آمریکای شمالی علیه حکومت بریتانیا شوریدند به زودی توافق کردند که امور خود را بر مبنای برخی قوانین کنفدراسیون و اتحادیه دائمی خاص که آن را کنگره انقلابی مرکزی طراحی کرده بود اداره کنند. این قوانین قدرت را میان کنگره و ایالات مربوط که همگی در کنگره، نمایندگی داشتند تقسیم کرده بودند. این تقسیم قدرت تقریباً از روی مدل تقسیم قدرت بین مستعمرات و حکومت مرکزی بریتانیا تقلید شده بود، با این تفاوت که هدف آن اجتناب از ایجاد حکومت مرکزی قدرتمندی بود که بتواند مستقلاً برای تمام کشور قوانین را به مورد اجرا گذارد. (بابایی، ۱۳۹۰: ۵۸۴).

#### هـ. دلایل روی آوری به نظام فدرالیستی

کارشناسان حقوق اساسی علل و عوامل مؤثر در پیدایش دولت فدرالیستی را حداقل در پنج گزینه به ترتیب ذیل می‌دانند:

۱. احساس تجانس و همگرایی فرهنگی و اجتماعی، بدون ادغام و انضمام کامل به یکدیگر؛ بنابراین اگر دولت‌ها از نظر شرایط اجتماعی و سطح فرهنگی و اقتصادی زیاد با هم تفاوت داشته باشند، اتحاد فدرالی بین آن‌ها امکان‌پذیر نیست.

۲. وسعت ساحه جغرافیایی، همسایگی و مجاورت جغرافیایی: البته مجاورت شرط اصلی حقوقی نیست، ولی موفقیت تجربه فدرالی از نگاه رشد روابط بازرگانی، اجتماعی و فرهنگی بستگی به مجاورت دارد و وسعت ساحه هم بدون شک تأثیر جدی می‌تواند داشته باشد.

۳. احساس خطر مشترك در میان اعضای تشکیل دهنده نظام فدرالیستی باید باشد. همین احساس در تشکیل نظام فدرالی آمریکا در سال ۱۷۸۷ نقش

اصلی را بازی کرد.

۴. اعضای نظام فدرالیستی باید دارای نظام حکومتی مشابه باشند. زیرا بین دو نظام سیاسی پادشاهی و جمهوری، اتحاد فدرالیستی امکان ندارد. نظام‌های محلی باید یک نوع باشد.

۵. نظام‌های محلی عضو الزاما باید دارای منابع مالی کافی باشند؛ چون در دولت فدرالیستی، نهادها بسیار زیاد است و تعدد آن‌ها به طور طبیعی نیاز به منافع مالی کافی خواهد داشت. (دانش، ۱۳۸۹/۱۶۶).

### گفتار دوم: امکان‌سنجی حاکمیت فدرالیستی در افغانستان

از روزی که طرح اداره فدرالی افغانستان مطرح گردید، واکنش‌های متفاوتی نسبت به آن ابراز گردیده است. در این فرصت باید دید که مبتکر آن کی بود، آیا سابقه‌ای برای آن در کشور می‌توان یافت، استدلال موافقان و مخالفان چیست؟ چه ضرورتی برای این پیشنهاد وجود دارد و ده‌ها سؤال دیگر که پیرامون موضوع وجود دارد.

### الف. ابتکار طرح موضوع

بدون هیچ تردیدی، خلاق و مبتکر اصلی این طرح حزب وحدت اسلامی افغانستان به زعامت شهید وحدت ملی مرحوم عبدالعلی مزاری (ره) است. (زاهدی، ۱۳۹۰: ۸۹).<sup>۱</sup> آن مرد جسور حق‌طلب در دهه بحران خونین کشور مصلحت و راه چاره را در آن دید که اداره فدرالیستی کشور را برای مجموعه نیروهای مدعی حضور در سیاست کلان کشور ارائه نماید. شهید مزاری و دست‌یاران فرهیخته آن با تدوین پیش‌نویس «قانون اساسی فدرال اسلامی افغانستان»

۱. نویسنده معتقد است که از پنجاه سال پیش در حلقه‌های سیاسی علامه شهید سید اسماعیل بلخی بحث فدرالی را مطرح کرده که در اشعار او منعکس گردیده است! همان‌گونه که اشاره گردید؛ پیشنهاد جمهوری فدرالی برای افغانستان، اولین بار به طور رسمی توسط عبدالعلی مزاری، رهبر شهید حزب وحدت و جنبش شمال در سال ۱۹۹۲م مطرح شد.

این داعیه حق را سر دادند. این مسوده به عنوان یک سند تاریخی حقوقی در سال ۱۳۷۲ وضع گردید، اما در حد یک پیشنهاد باقی مانده است. در مقدمه این مسوده آمد است که حزب وحدت اسلامی افغانستان معتقد است که به منظور حل عادلانه مسأله ملی و خاتمه دادن به نفاق‌های گوناگون نژادی، لسانی و منطوقی، بهترین شکل حاکمیت اسلامی در کشور، ایجاد ساختار دولتی برپایه اصول فدرال با در نظر داشت تقسیمات ملکی براساس ویژگی‌های ملی، تاریخی، فرهنگی و سایر مشخصات اجتماعی می‌باشد. (اصولی، ۱۳۹۶: ۲).

این طرح از قبل میان اعضای حزب وحدت بحث گردیده بود. روی کلیات آن توافق نظر وجود داشت. به همین علت استاد شهید در سخنرانی مورخ خزان ۱۳۷۱ خود گفت: «حزب وحدت معتقد است و اعلان هم کرده که آینده افغانستان توسط یک سیستم فدرالی اداره شود تا هر ملیت احساس کنند که درباره سرنوشت خود، خودشان تصمیم بگیرند.» (مزاری، ۱۳۷۴: ۳۸).

تا قبل از آن در کشور هیچ کسی نظام فدرالیستی را ابتکار نکرده بود، وقتی که اعضای شورای مرکزی حزب وحدت چاره را در ارائه این مدلی از اداره کشور سنجش کرده و آن را اعلان کرد، در میان جامعه سیاسی کشور محل تضارب آراء قرار گرفته و پیرامون آن ابراز نظر گردید.

### ب. سابقه حضور اداره فدرالیستی کشور

نظام فدرالیستی شناخته شده به مفهوم واقعی آن در افغانستان سابقه ندارد؛ ولی اداره خود مدیریتی (خود مختاری غیر رسمی) حداقل در دو دهه شصت و هفتاد خورشیدی، (در اکثر نقاط کشور) قابل انکار نیست. خود شهید ملی کشور استدلال کرده بود که «حالا عملا مناطق در دست مردم است، اگر در ایجاد یک دولت فدرالی توافق نشود اصلا مرکز در

وحدت ملی و اراضی این است که همه ملیت‌ها به حقوقشان برسند. همچنین در طی آن سال‌ها بارها موضوع فدرالیستی شدن کشور - دولت از سوی آن مرد دور اندیش واقع‌نگر تکرار گردید و روی آن پافشاری شد.

### ج. موافقان و مخالفان طرح فدرالیستی

پیشنهاد طرح فدرالیستی آن قدر موجه، منطقی و اصولی بود که به زودی از حد یک زمزمه سیاسی گذشته و تبدیل به گفتمان سیاسی قوی گردید. طبق اظهارات کارشناسان این بحث به دلیل اهمیت در کاروزار انتخابات ریاست جمهوری افغانستان نیز از سوی برخی کاندیداها مطرح شد. مخالفان ایجاد نظام فدرالیستی معتقد هستند که این شکل از نظام در افغانستان مقدمه‌ای برای تجزیه این کشور است و نگران تکرار تجربه بالکان در کشور هستند. اما موافقان آن معتقدند که این نظام می‌تواند به منازعات قومی و تعارض‌های داخلی پایان داده و مقدمه‌ای برای صلح و امنیت سرتاسری در افغانستان باشد. (صفری، ۱۳۹۹: سایت مؤسسه مطالعات راهبردی شرق).<sup>۴</sup>

این موضوع در جای خودش ثابت شده است که نظام فدرالیستی از راه تقسیم قانون‌مندانۀ قدرت به واحدهای هموند، ترتیب‌های فدرالی و افراد و اقلیت‌ها را در برابر مقامات مرکزی محافظت می‌کند. فدراسیون‌ها، به دلیل صلح دوستی‌شان، می‌توانند از جنگ‌های میان‌دولتی جلوگیری به عمل آورد. با وارد شدن به اتحادیه کنفدراسیون‌ها، دولت‌ها متحد و با اقتدار شدند و توانستند هم در برابر تهدیدهای خارجی و هم در مقابل تهاجم‌های میان‌واحدی، ایستادگی نمایند. پژوهشگران بر این باورند که با از میان برداری موانع داخلی تجارت و با ایجاد توافقنامه‌های بازرگانی میان هموندان، فدراسیون‌ها می‌توانند به رشد و رونق اقتصادی برسند. نگاه

شمال، [جنوب] هرات و هزاره‌جات تسلط ندارد». (مزاری، ۱۳۷۴: ۳۸). این در حالی بود که واقعا مردم دارای امکانات نظامی و تشکیلات اداری بودند؛ هر چند نامنظم بود، ولی تدبیر می‌گردید.

چیزی را که رهبر شهید مطرح نمود، براساس مطالعه دقیق و شناخت عمیق از تحولات جهانی غرب به ویژه آیالات متحده آمریکا و نیازمندی‌های بنیادی کشور ما مطابق بافت‌های اجتماعی و موقعیت‌های جغرافیایی و تاریخی کهن کشور، به منظور افغانستان مستحکم، واحد، مترقی و مردم مرفه در قطار دیگر کشورهای مترقی جهان ارائه گردید بود. (زاهدی، ۱۳۹۰: ۸۹).

به همین علت است که رهبر شهید در مصاحبه‌های مختلفی که انجام داده بود، مرتب از موضع فدرالیستی کردن کشور حمایت کرده و روی آن اصرار داشت.

خبرنگار رسالت پرسید: سیستم سیاسی که حزب وحدت اسلامی خواستار استقرار آن در افغانستان است، چیست؟ ایشان در جواب فرمود: ما قبلا نیز این موضوع را اعلام کرده‌ایم، اکنون با این وضعیت که در افغانستان و به ویژه در کابل وجود دارد تنها راه ثبات و بوجود آوردن مرکزیت، اعمال سیستم فدرالی است و ما آن را تنها راه حلی می‌دانیم که تمامیت ارضی و حاکمیت ملی افغانستان را در پی دارد.<sup>۲</sup> (مزاری، ۱۳۷۳: ۳۷). به اعتقاد استاد شهید: رعایت حقوق ملیت‌ها فقط در قالب حکومت فدرال عملی است و با این طرح می‌توان حکومت‌های متعدد ولایتی را در یک حکومت مرکزی جمع کرد و الا احتمال تجزیه افغانستان و تداوم جنگ‌های داخلی قویا وجود دارد.<sup>۳</sup> (مزاری، ۱۳۷۳: ۴۴). علت اصرار زعیم شهید حزب وحدت آن بود که به اعتقاد ایشان تنها راه جلوگیری از تجزیه افغانستان و تأمین

۲. این مصاحبه در تاریخ ۱۳۷۱/۶/۲۸ با روزنامه رسالت چاپ تهران انجام شده بود.

۳. مصاحبه با خبرنگار روزنامه سلام، ۱۳۷۱/۷/۲۸، در آن زمان حکومت مرکزی فاقد تسلط بر ولایات بود.

۴. لینک سایت: <https://www.iess.ir/fa/analysis>



دقیق‌تر به اتحادیه اروپا نیز همین ادعا را ثابت می‌کند. به عبارت دیگر، فدراسیون‌ها با نظارت بر قوانین، اجرای توافق‌ها و رعایت حقوق بشر، همکاری، عدالت و دیگر ارزش‌ها را در خود و در یکدیگر ارتقا می‌بخشند. پژوهشگران استدلال کردند که در یک ساختار فدرالیستی، احتمال مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌های عمومی بیشتر است. ترتیب‌های فدرالیستی، می‌تواند گروه‌های مستقر در کشور را که خواست‌ها و اولویت‌های متفاوت از اکثریت دارند را نیز پناه دهند. همچنین، ساختارهای فدرالیستی ممکن است جبر را به حداقل رساند و پاسخگویی نیازمندی‌ها و ترجیحات سیاسی بخش زیادی از شهروندان گردد. جان سخن آن که، نظام فدرالیستی پاسدار آزادی‌های فردی، پناه دهنده اقلیت‌های سیاسی، رونق بخش صلح و همکاری، رهگیر جنگ‌های میان‌دولتی و ضامن پیشرفت‌های اقتصادی می‌باشد. (بدخشی، ۱۴۰۰: ۲۳).

مشکل اصلی کشور افغانستان منازعه قومی است. هنوز هیچ راهبردی نتوانسته بر آن غالب شود و این بن بست را بشکند؛ در حالی که دیدگاه صاحب نظران آن است که نظام فدرالیستی مرهم مؤثر این زخم کهن می‌باشد. این یک واقعیت تاریخی است که گفتمان سیاسی غالب در جامعه‌های چندتباری و چندفرهنگی، قومیت و منازعه تباری است.

هدف یکی از گروه‌های درگیر بر مدار منافع تباری می‌چرخد؛ مدیریت منازعه تباری عبارت از کاهش تنش سیاسی میان تبارهای درگیر است؛ لذا بیشتر سیاست‌ها و نهادهایی که در حوزه مدیریت منازعه تباری هستند، به دنبال مدیریت آن هستند تا حل و فصل آن. به همین علت بحث به رسمیت شناختن کثرت‌گرایی تباری و فرهنگی در جوامع چند قومی، یک پدیده نو است. دولت‌ها در گذشته به همگون‌سازی اجباری مصر بودند و گاهی حتی بر حذف تنانی (فیزیکی) دیگر اقوام می‌کوشیدند؛

چیزی که در افغانستان به کرات اتفاق افتاده است. به همین دلیل پژوهشگران، سیاست تباری کشورهای چندملیتی را به دو دسته حذف و مدیریت تنوع تقسیم کرده‌اند. طبیعی است که سیاست حذفی دربرگیرنده نسل‌کشی، انتقال یا کوچ اجباری جمعیت‌ها و همگون‌سازی می‌باشند؛ اما ابزارهای مدیریتی شامل کنترل هژمونیک، حکمیت، تقسیم‌های منطقه‌ای، فدرالیسم و اجتماع‌گرایی می‌گردد. هرچند بسیاری از کشورهای جهان، مسأله تنوع قومی را از طریق ابزارهای یکسان‌سازی و حذف حل کرده‌اند؛ اما روش حذف و یک‌نواختی با تحمیل کردن یک زبان و فرهنگ مشخص، حقوق جمعی بقیه را انکار نموده و تبارها را از مکانیسم‌های سازمانی برای حضور و موجودیت مستقیم خود محروم می‌سازد. در کشور افغانستان تجربه‌های بسیار تلخی از این شیوه موجود است. در حال حاضر سیاست حذف دیگر اقوام در کشور عملی نیست. این روش، به خاطر خلاء عدالت اجتماعی، به‌طور فزاینده مورد نقد می‌باشد. حال سؤال این است که آیا نظام فدرالیستی می‌تواند منازعه اقوام را مدیریت کند؟ طرفداران فدرالیسم چندتباری، به این باورند که در قالب نظام فدرالیسم می‌توان این گروه‌ها را مدیریت کرد و تنازع را از میان برداشت و خشونت را از بین برد. فروپاشی افغانستان به حوزه‌های مختلف در دوران جنگ داخلی نمونه زنده برای این استدلال می‌باشد. اگر آن زمان روی فدرالیستی کشور کار می‌شد، تنازع تباری امتداد نمی‌یافت. (بدخشی، ۱۴۰۰: ۳۲).

از نظر کارشناسان «هیچ ساختار سیاسی دیگری نمی‌تواند به اندازه فدرالیسم گره‌گشای مشکل کشورهای چندتباری باشد. حتی تأکید گردیده که از طریق ترتیب‌های فدرالی، می‌شود دموکراسی‌های خودمختاری ایجاد کرد که در آن‌ها اقلیت‌ها به حس امنیت برسند و خود را در آن ساختار چندتباری، از نگاه حقوقی، بیابند.

مملکت بدون مداخله خارجی اداره گردیده است که حالا خوف آن برود؟ حتی یک روز در تاریخ افغانستان یافت نمی‌شود که نظام سیاسی بدون مداخله کشورهای خارجی اداره شده باشد.

ثالثاً؛ کلتور فرهنگی چنان زخمی و خصمانه است که به باور آدم نمی‌گنجد، تخریب زیر ساخت‌ها توسط تبار غالب چنان اساسی انجام می‌شود که برای خرده‌فرهنگ‌ها مجالی برای تنفس نمانده است.

رابعاً؛ اوضاع اقتصادی کشور چنان آشفته، ویران و درهم است که مردم فقیر را با دل و جان پذیرا هستند و حاکمیت متمرکز چه تاجی بر سر مردم زده است که ضرورت به دفاع باشد؟ در مجموع این دلایل را می‌توان عذر بدتر از گناه حساب کرد. چون بی‌اساس و غیر علمی به نظر می‌رسد.

#### د. ضرورت دولت-کشور فدرالیستی در افغانستان

در جامعه عرب یک ضرب المثل است که می‌گوید: «الْغَرِيقُ يَتَشَبَّهُ بِكُلِّ حَشِيشٍ» (دهخدا، ۱۳۸۳: ۲۶۴/۱). آدمی در حال غرق شدن، به هر گیاه یا شاخه خشکی چنگ می‌زند (تا خود را نجات دهد). به دیگر تعبیر، کسی که دستش از چاره‌های کاری کوتاه می‌ماند برای رهانیدن خویش به ناچیز ترین وسایلی ممکن دست می‌یازد.

با استعانت از مثال فوق باید گفت طرح اداره فدرالیستی کشور به انگیزه نجات افغانستان از مشکلاتی است که دامنگیر آن شده است. یکی از معانی حقوقی فدرال عبارت از انعقاد قرارداد و بستن پیمان میان اعضای آن می‌باشد. همچنین معانی عهد، پیمان، متحد و حکومتی که از چند بخش کشوری تشکیل شده و از بخش دولت مرکزی تبعیت کند را برای آن نوشته‌اند. (پیکار، ۲۰۲۰: ۴). پیمان بستن و یا انعقاد اتحاد بر اساس توافق اراده انجام می‌شود. اصلاً در حقوق معنای عقد همین است. قانون مدنی

در مقابل این گروه، مخالفان نظام فدرالیستی در افغانستان به این باورند که با استقرار این ساختار، احتمال جدایی خواهی و چند پاره شدن مردم، تمایل گروه‌ها و اقوام مختلف به سوی همسایگان وجود خواهد داشت و آنان (کشورهای مداخله‌گر همسایه) در امور داخلی افغانستان بیشتر مداخله خواهند کرد (خلیلی، ۱۳۹۵: ۸۲). در عین حال باعث تغییر ریشه‌ای توازن اتنیکی، فرهنگی و زبانی شده (امیرزاده، بی‌تا: ۷) و به دلیل عدم شکل‌گیری حکومت مرکزی قوی باعث پراکندگی هرچه بیشتر اقوام و گروه‌ها می‌گردد. (علی پور، ۱۳۹۲: ۳). همچنین احساسات قومی و قبیله‌ای را دامن زده، اختلافات اجتماعی، فرهنگی و زبانی را آشکار کرده و به وحدت ملی لطمه خواهد زد (مبارز، ۱۹۹۸: ۶۴). دلیل دیگر مخالفت پراکندگی نژادی، ترکیب اجتماعی محلی و شهری نامتجانس، ثروت‌های نابرابر طبیعی در شمال، جنوب و مناطق مرکزی، فقر شدید اجتماعی، تنش‌های قومی، زبانی، موقعیت جغرافیایی خاص افغانستان در منطقه است. (امیرزاده، بی‌تا: ۷). در کل اوضاع نامناسب سیاسی، اقتصادی و نبود یک توافق عمومی را (طاهری، ۱۳۹۶: ۲) از موارد فوق بر شمرده‌اند و پراکندگی نژادی، ترکیب نامتجانس اقوام، وضعیت غیر همسان ولایات به لحاظ اقتصادی، نبود یک توافق عمومی را مزید بر آن می‌دانند. همچنین مشخص نبودن جمعیت افغانستان در کل و جمعیت اقوام به صورت تفکیکی نیز از موانع اصلی فدرالیسم در افغانستان به شمار آمده است. (یوسفی و اکبرزاده، ۱۳۹۸: ۱۲۷).

در جواب استدلال‌ات فوق می‌توان گفت:

اولاً؛ مگر افغانستان تا حال دارای وحدت ملی عادلانه بوده است که برای به خطر افتادن آن نگران باید بود؟ عملاً این مملکت فاقد وحدت ملی انسانی بوده است.

ثانیاً؛ حداقل در چهار قرن اخیر، کدام وقت این

تصريح کرده است که «عقد، عبارت از توافق دو اراده است به ایجاد یا تعديل یا نقل یا ازاله حق در حدود قانون». (فقره ۱ از ماده ۴۹۷، ق.م).

بنابراین هنگامی که سخن از دولت فدرال به میان می آید منظور گردهمایی و اتحاد دولت های عضو (ایالات، مناطق) یی می باشد که همگی دارای یک قانون اساسی مشترک هستند. (شتورم و دیگران، مترجم: سامرند، بی تا: ۱۰) یعنی قبلا روی آن به توافق رسیده و در یک فضای دوستانه مورد پذیرش همگان واقع می شود.

بررسی تاریخ و ویژگی های جوامع برخوردار از فدرالیسم نشان می دهد که برخی بسترهای موجود در این کشورها در گرایش آنان به سمت این نوع نظام، نقش اساسی دارد. افغانستان نیز دارای چنین خصوصياتی می باشد. به این دلیل که موزه یا گنجینه اقوام است؛ دارای تنوع مذاهب و فرق مثل حنفی، جعفری، اسماعیلیه، نحله های متأثر از وهابیت بوده و در حدود ۳۰ زبان و لهجه در آن تکلم می شود. با وجود چنین تنوع قومی و مذهبی، تاکنون در تاریخ سیاسی آن، حکومتی که این گونه گونی را به رسمیت بشناسد و سیاست مبتنی بر رعایت حقوق همه اقوام و اقلیت ها را در پیش گیرد، تأسیس نگردیده است. استفاده يك قوم علیه قوم دیگر و دادن امتیاز به بخشی از مردم و نادیده گرفتن حقوق پیروان مذاهب از جمله شیعیان و اسکان ناقلین در برخی ولایات و بیرون راندن مالکان، حذف زبان فارسی از مکاتب و جایگزین سازی زبان پشتو، برخی از اشکال متفاوت بی عدالتی های حاکمان و زمامداران می باشد. جنگ های خونین داخلی بر سر کسب قدرت که رنگ و بوی قومی، نژادی و مذهبی داشت، و سرانجام عملکرد قوم مدارانه و خشن طالبان نسبت به دیگر اقوام، باعث عمیق تر شدن اختلافات قومی گردید و افغانستان را به مناطق شمالی، جنوبی، پشتونی و غیرپشتونی تقسیم کرد، در واقع، سیاست های

تبعیض آمیز حاکمان در طول تاریخ، فقط دچار شدت و ضعف می گردید؛ ولی هیچگاه از بین نرفته بود. بنابراین، فدرال خواهی برآیند آن شرایط می باشد. (خلیلی، ۱۳۹۵: ۸۰).

طرح نظام فدرالی توسط شهید مزاری معطوف به این اوضاع و احوال اجتماعی و سیاسی بود. به استدلال آن که سکان داران کشتی افغانستان هرگز حاضر به کوتاه آمدن و درک حقانیت اقوام کشور نیستند و روی همان مسیر اشتباه یا ناکامی ممتد روان هستند. حاکمیت پسا دموکراسی طالبان به خوبی دلالت به درسی خواست طرح اداره فدرالی کشور می کند. اکنون حاکمیت تحجر و جمود فکری و قیحانه اقوام غیر پشتون را کنار زده و از تمام حقوق خود محروم کرده و آنان را از ساختار سیاسی، مدیریتی، قضا و نهادهای مردم نهاد به کلی رانده است.

نظر به مباحث فوق بود که شهید وحدت ملی فریاد می زد: «هدف ما تشکیل یک حکومت اسلامی، مردمی، فراگیر و مبتنی بر عدالت اجتماعی در افغانستان است. ما می خواهیم ستم های چندین قرنه بر مردم افغانستان پایان یابد و جامعه ای بوجود آید که در آن از تبعیض، برتری گری، تفاخر و افزون خواهی خبری نباشد و کلیه مردم افغانستان از هر قوم و نژاد و با هر رنگ و زبان برادرانه و برابر زندگی کنند و حقوق حقه تمامی ملیت های افغانستان تأمین گردیده و آن ها بتوانند متناسب با میزان حضور و نقش شان در جهاد چهارده ساله ضد روسی در تعیین سرنوشت سیاسی شان سهم بگیرند». (غفاری لعلی، ۱۳۷۳: ۶۸).

آن مجاهد پاک نیت سخت معتقد بود که «تنها راه حل مشکل افغانستان تشکیل یک حکومت فدرالی است و می دانست که ساختار فدرالی تأمین کننده خواست ها و اهداف کلیه اقوام، مذاهب و گرایش های سیاسی می باشد و بحران کشور از این طریق قابل حل است و افغانستان دهه هفتاد فاقد مرکزیت بود، در قالب نظام فدرالی حقوق ملیت ها بهتر قابل تأمین

که دارای حکومت متشکل از دولت‌های خودگردان ایالتی و دولت مرکزی منتخب مردم باشد. فدرالیسم موجد سازوکارها و رویه‌های مختلفی است که از طریق آن‌ها می‌توان کشمکش‌ها و مناقشه‌های حکومت‌های منطقه‌ای را بایکدیگر یا با حکومت مرکزی حل و فصل کرد.

کشورهایی که با این شیوه اداره می‌شود به خوبی نشان می‌دهد که باعث قوت، اتحاد ملی و تجمع انسانی مفید بوده است. بر خلاف تفکر قومیت محوری که آن را عامل تجزیه کشور معرفی می‌کند، یکی از راه‌های وفاق ملی خواهد بود. فدرالیسم انحصارگرایی قومی، زبانی و دینی را به حاشیه می‌راند و برای همه اعضا حقوق بشری، حق تعیین سرنوشت و کرامت می‌خشد. کشورهای فدرالی برای تثبیت عظمت و اقتدار خود این روش را برگزیده‌اند و در سایه سار آن به شکوه داخلی و جهانی رسیده‌اند.

کشور افغانستان به لحاظ تنوع قومی، زبانی، مذهبی و دینی موجد این نوع سیستم می‌باشد. تجربه ناموفق حاکمیت‌های سنتی مندرس بیانگر آن است که باید از شیوه دست برداشت و روش فدرالی را تجربه نمود. در افغانستان علایق تباری و زورگویی قومی مخالفت شدید با فدرالیسم می‌باشد. آنان در حاکمیت و اقتدار فدرالی قدرت ظالمانه خود را در خطر احساس می‌کنند، به همین علت شدیداً با آن مخالف هستند.

اما نیروهای بیدار، دلسوز و خواهان عزت لازم است که حرکت نمایند. قطعاً کلیت کشور و یافتن جایگاه شایسته افغانستان با این رویکر تأمین گردیده و آرامش به کشور حاکم خواهد شد. مسأله دیگر آن است که نگرانی‌های مخالفان فدرالی بی اساس می‌باشد، زیرا در سایه شوم حاکمیت سنتی قومی افغانستان از شکوه، ترقی، عزت و رونق باز مانده و موجب سرخوردگی اتباع و کم‌اهمیتی آن در سطح بین‌المللی گردیده است.

بود و وحدت ملی به صورت اصولی تحقق پیدا می‌کرد. (همان: ص ۶۹). براین اساس ضرورت تن دادن به نظام فدرالیستی به روشنی خورشید می‌نماید و غیر قابل تردید است.

دبیر کل حزب وحدت در پاسخ به سؤال خبرنگار مجله تایم که پرسیده بود شما چه نوع سیستمی را برای آینده افغانستان پیشنهاد می‌کنید؟ فرمود: ما سیستم فدرالی را (در آن حقوق همه مردم افغانستان رعایت شده و سیستم انحصاری قدرت را درهم می‌شکنند). مناسب‌ترین ساختار سیاسی برای آینده افغانستان می‌دانیم. او تأکید می‌کرد که این سیستم با توجه به واقعیت‌های جامعه افغانستان و بافت و ترکیب قومی، مذهبی و محلی آن پیشنهاد می‌گردد و در آن بسیاری از مشکلات کنونی حل گردیده و خواسته‌های بر حق کلیه ملیت‌ها و اقوام افغانستان که مبتنی بر سهم‌گیری در تصمیم‌گیری‌های سیاسی مربوط به کشورشان است تحقق پیدا می‌کند. (همان: ص ۱۱۳) وقتی به نوع استدلال توجه واقع‌بینانه‌ترین طرح‌های کشور از بحران است.

روی این ملاحظه بود که در مقابل تجزیه‌طلبی قلمداد کردن نظام فدرالی استدلال می‌کرد که در کشورهایی چون آمریکا، آلمان، هند و... سیستم فدرالی نه تنها باعث تجزیه نشده، بلکه باعث وحدت شده است. (چراغ راه، ۱۱/۱۳۸۵)، ولی کجا بود گوش شنوا و صداقت در ادعای برادری و تولید ملیت واحد مقتدر تا این فریاد عدالت‌خواهی را بشنوند و به آن معتقد باشند.

### جمع‌بندی

نظام فدرالی در عداد نظام‌های دیگر دارای پیشینه تاریخی می‌باشد. یکی از روش‌های مدیریتی دولت-کشور است که برای کشورهای دارای چند قومیتی، زبانی، مذهبی و دینی قابل اجرا دانسته می‌شود. در دانش سیاسی به نظام سیاسی یا حکومتی گفته‌اند

کسانی که وجدان دارند و دلسوز اقوام کشور هستند، باید در حمایت از نظام فدرالی کم‌همت بسته به صورت عملی وارد میدان مبارزه گردند. هیچ رفاهی بدون زحمت بدست نمی‌آید. زندگی عادلانه، در صلح و حق تعیین سرنوشت هم بر می‌تابد تا برای زمینه‌سازی آن اهتمام شود. افغانستان پس از حاکمیت تباری و قبیله‌ای طالب از این بدتر نمی‌شود. اکنون همه اقوام در تدریج شرایط انسانی قرار دارند، فشار اجتماعی کنونی باید همه را برای یک هدف عالی منسجم بتواند. طرح سیستم فدرالی که توسط مردم غیرت و حمیت، دبیر کل حزب وحدت پیشنهاد شد، چراغی بر فراراه تاریخ اجتماعی ما است. نخبگان وظیفه دارند در تبیین آن همت نمایند تا ارزش‌های والای آن برای توده مردم و بزرگان قومی، حزبی، دینی و مذهبی روشن شود.

فقط در این صورت است که می‌توان امیدوار بود روزی اتباع افغانستان به این جمع‌بندی برسند که از ترک و طرد همدیگر احساس شرمندگی کرده و آغوش به روی همدیگر باز نمایند.

### منابع

- آذربایجانی، مسعود و دیگران؛ روانشناسی اجتماعی بانگ‌ریش به منابع اسلامی، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۲.
- آقابخشی، علی، افشاری راد، مینو، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: نشر چاپار، ۱۳۸۳.
- آتویت، ویلیام، باتامور، تام، مترجم: چاوشیان، حسن، فرهنگ علوم اجتماعی قرن بیستم، تهران: نشر نی، بی‌تا.
- ابن منظور مصری، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۱۲، لبنان: دار صادر، ۱۴۲۴ هـ.ق.
- اصولی، زکریا، قانون اساسی فدرال اسلامی افغانستان، بنیاد اندیشه، کابل، ۱۳۹۶.

انوری، حسن، و دیگران، فرهنگ بزرگ سخن، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۹۰.

بابائی، پرویز، فرهنگ اصطلاحات و مکتب‌های سیاسی، تهران: نگاه، ۱۳۹۰.

بدخشانی، غفران، فدرالیسم نسخه‌ای برای افغانستان چند تباری، بی‌جا: رودکی، ۱۴۰۰.

برابرت بلدسو-بوسچک، مترجم: بهمن آقایی، فرهنگ حقوق بین‌الملل، تهران: گنج دانش، ۱۳۷۵.

بشیریه، حسین، آموزش دانش سیاسی، تهران: مؤسسه نگاه معاصر، ۱۳۸۰.

پیکار، نصرالدین، چند و چون نظام‌های فدرال و طرح فدرالیسم در افغانستان، اداره نشرات سیمای شغنان، کانادا، ۲۰۲۰ م.

خلیلی، محسن، چرایی فقدان فدرالیسم در قانون اساسی ۸۹۱۹ افغانستان، مجله پژوهش‌های جغرافیای سیاسی، سال اول، شماره سوم، پائیز ۱۳۹۵.

خوبروی‌پاک، محمدرضا، فدرالیسم در جهان سوم، ج ۱، تهران: نشر هزار، ۱۳۸۹.

دانش، سرور، حقوق اساسی افغانستان، کابل: انتشارات مؤسسه تحصیلات عالی ابن‌سینا، ۱۳۸۹.

دورانت، ویل، مترجم: بطحانی، احمد و دیگران، تاریخ تمدن، ج ۲، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸.

دهخدا، علی‌اکبر، امثال و حکم، ج ۱، تهران: امیر کبیر، ۱۳۸۳.

رضاییان، علی؛ مدیریت رفتار سازمانی، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۹.

رابینز، استیفن؛ مبانی رفتار سازمانی، ترجمه علی پارسائیان و محمد اعرابی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۷۶.

زاهدی، محمدتقی، تهیه و تنظیم: اسدالله رضایی، حکومت فدرالی و اصلاحات در افغانستان، قم: منشورات دارالتفسیر، ۱۳۹۰ - ۲۰۱۱ م.

ساکت، محمدحسین، حقوق شناسی (دیپاچه‌ای

افغانستان، ۱۳۹۲ سایت: [www.radiozamane](http://www.radiozamane)  
قلی پور، آرین؛ مدیریت رفتار سازمانی، تهران:  
انتشارات سمت، ۱۳۸۶.

کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق و مطالعه در  
نظام حقوقی ایران، تهران: شرکت سهامی ۱۳۸۳.

مبارز، عبدالحمید، فدرالیسم و عواقب آن در  
افغانستان، پشاور: سبا کتابخانه، ۱۹۹۸م.

مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان، احیاء هویت،  
(مجموعه سخنرانی استاد شهید، قم: انتشارات سراج،  
۱۳۷۴.

یوسفی، محمد شریف روشن، اکبرزاده، ربابه،  
بررسی فرصت‌ها و چالش‌های فدرالیسم در  
افغانستان، فصلنامه علمی-پژوهشی کاتب، سال دوم،  
شماره ۸۰، زمستان، ۱۳۹۸.

بر دانش حقوق) تهران: نشر ثالث، ۱۳۸۷.  
سعیدیان، عبدالحسین، دایرة المعارف، ج ۳،  
تهران: علم و زندگی - آرام، ۱۳۸۶.

صدری افشار، غلام حسین، و دیگران، تهران:  
فرهنگ معاصر، ۱۳۸۱.

طاهری، الیاس، معاون رئیس جمهوری: نظام‌های  
فدرالی و پارلمانی در شرایط فعلی افغانستان قابل  
تطبيق نیست، روزنامه افغانستان ما، سال یازدهم،  
شماره، ۱۳۹۶.

عالم، عبدالرحمن، بنیادهای علم سیاست، تهران:  
نشر نی، ۱۳۷۳.

عبد الحمید، ابوالحمد، مبانی سیاست، ج ۱،  
تهران: انتشارات توس، ۱۳۸۴.

عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران:  
انتشارات امیر کبیر، چاپ مکرر.

غفاری لعلی، عبدالله، فریاد عدالت، قم: مؤسسه  
فرهنگی-تحقیقاتی و آموزشی شهید سجادى، ۱۳۷۳.

علی پور، فرهنگ، خوب و بد فدرالیسم در

بنیاد اندیشه  
تأسیس ۱۳۹۴